

نظام برنامه ریزی فرهنگی

دکتر جهانبخش ثواقب
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

مقدمه

یکی از کارکردهای مهم مسجد، امور فرهنگی است. برپایی مراسم نماز و نیایش، برگزاری جلسات ادعیه (کمیل، توسل، ندبه، زیارت عاشورا، و . . .)، مراسم ترحیم، سخنرانیهای مختلف، گرامیداشت و بزرگداشت مناسبتها و ایام سرور و عزا، برگزاری کلاسهای قرآن و نهج البلاغه و معارف اسلامی، انجام مسابقات مختلف، برگزاری کلاسهای فراغت در تابستان برای نوجوانان و جوانان (همچون قرآن و کلاسهای هنری: خوشنویسی، نقاشی، طراحی، خیاطی و گلدوزی و غیره)، برگزاری کاروانهای زیارتی و سیاحتی، برپایی مراسم ایام محرم، برنامه های مربوط به ماه مبارک رمضان، وجود کتابخانه مسجد برای استفاده مشتاقان، بخشی از امور فرهنگی است که در پایگاهی به نام مسجد انجام می شود. با توجه به این کارکردها، مسجد می تواند نقش عمده ای در فعالیتهای سازنده فرهنگی به ویژه ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه و فرهنگ سازی ایفا نماید. مخاطبان فعالیتهای فرهنگی مسجد اقشار مختلف از کودکان، نوجوانان، جوانان، میانسالان و کهنسالان، اعم از زن و مرد را در برمی گیرد. بدین ترتیب یکی از پایگاههایی که باید به درستی مورد توجه برنامه ریزان فرهنگی کشور قرار گیرد و به طور بینه در سالم سازی فضای فرهنگی از آن استفاده شود، مسجد می باشد. این امر نیازمند «نظام برنامه ریزی فرهنگی» است که با تعیین اصول و شیوه ها، و حدود و چارچوب فعالیتهای فرهنگی، بر اثر بخشی آن افزوده و از عوارض منفی احتمالی آن جلوگیری نماید.

بر این مبنای، این مقاله می کوشد تا ضمن مبحثی اجمالی درباره



مسجد جامع دهلی، هند

فرهنگ و تمدن و اهمیت شناخت فرهنگ، به شاخصه‌های اصلی در این برنامه ریزی فرهنگی پرداخته، روش اجرایی آن را ترسیم نماید، باشد مورد استفاده کارشناسان امور فرهنگی قرار گیرد.

نهاد و تأسیسات فرهنگی

نهاد و تأسیسات فرهنگی از جمله نهادهای اساسی جامعه انسانی است. تفاوت بین جامعه‌های گوناگون انسانی با شناسایی فرهنگ (Culture) آنها صورت پذیر می‌باشد و شناخت جامعه‌های امروزی از طریق بازرسی و پژوهش پیرامون سوابق و مدارک و اسناد تاریخی فرهنگی آن جامعه امکان پذیر است. اگر جامعه‌ای در حد کمال قرار دارد بدان جهت است که ریشه فرهنگی عمیقی دارد که حال او را با گذشته پیوند می‌دهد و چهره امروزی او را آشکار می‌سازد. فرهنگ آئینه تمام نمای جامعه انسانی است. [اودیعی، جامعه شناسی، ۱۰۸].

تعریف فرهنگ

فرهنگ راه و رسم زندگی یابی است که در آن هر جامعه برای بقای خود نیاز به ساختن و پرداختن بنیانها و ریشه‌های فرهنگ خود دارد. در موردهای بخصوص، فرهنگ عبارت از کسب تجربه‌های اجتماعی است. فرهنگ شامل نظامهای معینی است که مورد قبول اجتماع بوده، برای جامعه قابل لمس باشد. فرهنگ شامل ساختمان و سازمانهای اجتماع، انواع رفتار، دانش، ایمان و دیگر فعالیت‌هایی است که در مجامع انسانی یافت می‌شود. فرهنگ به معنی هنر، ادبیات، موسیقی، فلسفه و آداب و رسوم و دیگر وسیله‌هایی که به ترتیب مخصوص، زندگی انسان بدان وابسته است. فرهنگ شامل زیباییهای زندگی و بخشی از زندگی انسانی که ساخته و پرداخته اوست چون نقش بر روی چوب و مراسم قبیله‌ای و غیره. بنابراین فرهنگ به مادی (چون عوامل فیزیکی فرهنگی) و غیر مادی (چون عقاید، آداب، ایده‌ها، ایدئولوژی‌ها و سازمانهای اجتماعی) تقسیم می‌شود.

تایلور، فرهنگ را در معنی دانش و عقاید و هنرها و اخلاق و رسما و سایر یافته‌های اجتماعی انسان به کار می‌برد، و امروز فرهنگ بر ابزارها، رسوم، معتقدات، علوم، هنرها و سازمانهای اجتماعی دلالت می‌کند، [اودیعی، جامعه شناسی، ۱۰۹ - ۱۱۰؛ جعفری، فرهنگ پیرو - فرهنگ پیشرو، ۱۲].

انتقال فرهنگ: جریانی است که از طریق یادگیری به ارث برده می‌شود. هر نوجوانی فرهنگ زمان خود را از سالمندان فرا می‌گیرد و به همین ترتیب نیز آن را به کودکان و آیدگان می‌آموزد. افلاطون می‌گفت که فرهنگ مبنای تمدن است و هیچ مدینه‌ای بدون فرهنگ سامان نمی‌گیرد. نزد حکمای اسلامی؛ فرهنگ جان تمدن بوده است. برخی حوزه‌های جامعه شناسی معاصر نیز به این امر معتقدند. در جامعه شناسی مارکسیستی و برخی مکاتب انسان شناسی فرهنگی، فرهنگ را تابعی از اجتماعات و نقش آن را در حد رو بنا می‌دانند. نزد قدمای ما فرهنگ مترادف ادب و ادب نفس بوده است و نیز آن را به معنای فضیلت و کمال به کار می‌برده‌اند. [زرشناس، فرهنگ، سیاست، فلسفه، ۹ و ۱۰].

فردوسی در اشعار زیر، فرهنگ را به معنای فضیلت و کمال به کار برده است:

ز دانا پیرسید پس دادگر

که فرهنگ بهتر بود یا گهر

چنین داد پاسخ بدو رهنمون

که فرهنگ باشد ز گوهر فزون

که فرهنگ آرایش جسان بود

ز گوهر سخن گفتن آسان بود

گهری هنرزار و خواراست و سست

به فرهنگ باشد روان تندرست

برخی، فرهنگ را مایه تمایز انسان از گروههای حیوانی

دانسته‌اند. در عربی، «الثقافه» در اصل به معنای پیروزی، تیز هوشی و مهارت است [المنجد، ذیل ماده ثقف]. سپس به معنای استعداد فراگیری علوم و صنایع و ادبیات به کار رفته است و در فرانسوی «کولتور» و در انگلیسی «کالچر (Culture)» می‌گویند.

بر مبنای تفکر اسلامی، این فرهنگ است که روح و جان تمدن محسوب می‌شود و تمدن جز ظاهر فرهنگ نیست. اما اگر فرهنگ روح تمدن است، باطن فرهنگ، تفکر است. تفکر نسبتی است که انسان با حق پیدا می‌کند. فرهنگ محصول بسط تفکر است و هر فرهنگی بر مبنای صورتی است که از تفکر قرار دارد. فرهنگ دینی، ظاهر تفکر دینی است و فرهنگ فلسفی، محصول



مسجد النبوی (ص)، تهران

فرهنگ پیرو - فرهنگ پیشرو، ۸۶].

فرهنگ حقیقتی است دو قطبی: هم جنبه درون ذاتی دارد و هم جنبه برون ذاتی. مانند نموده‌های عینی اخلاقیات و آثار هنری و کیفیت ساختمانها که نشان دهنده انواعی از دریافتها و آرمانهای درون است. فرهنگ هر اندازه معنوی تر و عالی تر باشد، انسانی تر است.

هر پدیده و فعالیت فرهنگی که با ارزشهای متعالی انسانی مانند اخلاقیات و مذهب ناسازگار باشد، فرهنگ اسلامی آن را نمی‌پذیرد. زیرا هر پدیده و فعالیتی که به نام فرهنگ در جامعه بروز کند و مخالف حیثیت و شرافت و شخصیت کمال طلب انسانی باشد اگرچه در جذابترین صورت عرضه شود، فرهنگ اسلامی با آن مخالفت می‌نماید و از عرضه و ترویج آن جلوگیری می‌کند. [جعفری، فرهنگ پیرو - فرهنگ پیشرو، ۷۴]

فرهنگ بر محتوای رفتاری جامعه دلالت دارد. اختصاص پدیده فرهنگ به نوع انسان است نه همه جانداران.

اندوخته فرهنگی: در جریان انتقال میراث فرهنگی، کارهای نا تمام افراد قبل توسط دیگران کامل شده و چیزی تازه و نو به فرهنگ اضافه می‌شود. فرهنگ در طول زمان رشد می‌کند و بر اثر تماس با دیگر جامعه‌ها تکامل می‌یابد.

یگانگی فرهنگی، شکل اجزای مختلف نسبت به یکدیگر است. یگانگی کامل هرگز حاصل نمی‌شود، لیکن وجود همکاری به درجه‌ای که احتیاجات اساسی زیستی مردمان برآورده شود، «ازم» می‌باشد. [اودعی، جامعه‌شناسی، ۱۱۱]. چهار رکن مهم فرهنگ عبارت است از: ارزشها، هنجارها، نمادها، و ایده‌ها و اعتقادات. هرچه بین این ارکان تناسب و سازگاری بیشتر باشد فرهنگ جامعه از بسامانی و اعتدال برخوردار است و برعکس آن، فرهنگ را دچار نابسامانی و ناسازگاری اجزا خواهد کرد.

فرهنگ و جامعه

جامعه شامل گروهی از افراد است که دارای احساس مشترک بوده و برای سر و سامان دادن به نیازمندیهای خود به تشکیل سازمانهای گوناگون پرداخته‌اند و دارای پیوستگی و ارتباط دائمی بین آیندگان و گذشتگان بوده، بتوانند آن را تا قرنهای متمادی نگهداری کنند.

فرهنگ کار و کوششی است که از جامعه سر می‌زند و از راههای گوناگون آن را گسترش می‌دهند.

تمدن و فرهنگ

تمدن نشان دهنده درجه‌ای از پیشرفت فرهنگی و پیچیدگی ذهنی است که توسط جامعه‌های معدودی به دست می‌آید و درجه رشد فرهنگی یک ملت در مقایسه با جامعه‌های دیگر را تمدن می‌گویند. زبان و خط از معیارهای تمدن است.

اهمیت شناخت فرهنگها: به وسیله شناخت فرهنگ است که می‌توان به اصالت افکار انسانها پی برد. فرهنگ، مابین رفتار انسانی و فراز و نشیبهای زندگی اجتماعی قرار دارد و صفات اختصاصی و احتیاجات زیست‌شناسی را برآورده می‌کند. تفاوتهای فرهنگی موجب برآورده شدن نیازهای اساسی انسان

بسط تفکر فلسفی است. اگر تفکر نباشد تمدن پدید نمی‌آید. سیاست نیز شأنی از شئون تمدن و مظهر فرهنگ و تفکر است. از این رو فرهنگ دینی، سیاست دینی پدید می‌آورد و فرهنگ فلسفی، سیاستی که عین فلسفه است. تفکر فلسفی، مدینه‌ای پدید می‌آورد که بر مبنای عقل فلسفی و آرای فلاسفه تأسیس شده است. فرهنگ مینا و باطن سیاست است و هر سیاستی مسبوق به نوعی فرهنگ و تفکر است [زرشناس، فرهنگ، سیاست، فلسفه، ۱۱].

علامه محمد تقی جعفری فرهنگ را به دو قسم: «فرهنگ پیرو» و «فرهنگ پیشرو» تقسیم می‌کند. فرهنگ پیرو، به آن قسم از نوع کیفیت و شیوه زندگی مادی و غیر مادی می‌گویند که هیچ اصل و قانون اثبات شده قبلی را مورد تبعیت قرار نمی‌دهد، بلکه صحت و مقبولیت خود را از تمایل و خواسته‌های مردم می‌گیرد. این قسم از فرهنگ ناشی از رفتار و امیال و خواسته‌های مردم با هر انگیزه و علتی است که هیچ کاری به تطابق آنها با حقایق و واقعیات مستقل و از هوی و هوس و تمایلات طبیعی انسانها ندارد. بنابراین هر گونه عوامل فساد دین و اخلاق و شرف و منطق حیات معقول انسانها می‌تواند به عنوان خواسته‌های مردم، نام فرهنگ به خود بگیرد. [جعفری، فرهنگ پیرو - فرهنگ پیشرو، ۸۷].

فرهنگ پیشرو، پویا و هدفدار، در محاصره آن نموده‌ها و فعالیتهایی که تحت تأثیر عوامل سیال زندگی و شرایط زودگذر محیط و اجتماع قرار می‌گیرد نمی‌افتد زیرا عامل محرک این فرهنگ، واقعیات مستمر طبیعت و ابعاد اصیل انسانی است و هدف آن عبارت است از آرمانهای نسبی که آدمی را در جاذبه هدف اعلامی حیات به تکاپو در می‌آورد. این است آن فرهنگ انسانی که هیچ تمدن انسانی اصیل در گذرگاه تاریخ، بدون وجود چنین زمینه فرهنگی به وجود نمی‌آید. [جعفری، فرهنگ پیرو - فرهنگ پیشرو، ۹۳].

به اعتقاد وی، علت عمده ناهماهنگی عناصر فرهنگی در یک جامعه چند چیز است: «خودخواهی قدرتمندان»، «لذت‌گرایی» و «سلطه‌گری». [جعفری،



مسجد خاتم‌الوصیاء (عج)، تهران



مسجد خداداد، تهران

معنای ملت است. از این رو، تمدن فرایندی را توصیف می‌کند که به وسیله آن روابط بشری در جهت بهتر گشتن به تدریج تغییر می‌کند و شکل معینی می‌گیرد. تمدن به مفهوم ملتی است متشکل در برابر حالتی از انزوای بدوی و بی قانونی. تمدن اهمیتی جهانشمول دارد و هدف همه کوششهای بشری است. جنبه‌های گوناگون آن شامل نهادها، ادبیات، تجارت، صنعت، جنگ، حکومت، قانون و . . . می‌باشد. تمدن مانند نمایشخانه بزرگی است که نهادها بازیگران آن هستند. یا اقیانوسی است که نهادها، رودهایی هستند که در آن جریان دارند.

تمدن هم به دسترسی به رفاه مادی و هم به اعتلای روح بشری اشاره دارد. باید جنبه‌های مادی و معنوی هر دو وجود داشته باشد تا بتوان از تمدن سخن گفت. تمدنها را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد: تمدن مادی، تمدن معنوی صرف، و تمدن مادی - معنوی. منظور از تمدن یعنی هم پیشرفت رفاه مادی و هم پیشرفت پالایش انسان. از آنجا که آنچه رفاه مادی و پالایش را میسر می‌سازد، معرفت و فضیلت است، تمدن در نهایت به معنای پیشرفت معرفت و فضیلت انسان است. تمدن نباید به اعتبار یک فرد مورد بحث قرار گیرد بلکه به اعتبار تمامی یک ملت و روح ملی [ر. ک: فوکوتساو ایوکشی، نظریه تمدن، ۵۷-۵۲]

فضیلت به معنای اخلاق و درستکاری است. در غرب آن را اخلاق گویند که با چیزهای درونی، نفس و درون سروکار دارد. معرفت به معنای فهم است. در مقابل آنچه که با چیزهای برونی سروکار دارد عقل نامیده اند و کارکرد آن، اندیشه کردن، فهمیدن چیزهای مرتبط با آنهاست. هر دو، به دو بخش می‌شوند: فضیلت خصوصی (صداقت، پاکی، فروتنی. . .) و فضیلت عمومی (مفهوم شرم، عدل، راستی و . . . که در ارتباط اجتماعی بروز می‌کند).

معرفت خصوصی (ظرفیت به کنه چیزها رسیدن و نسبت به آنها واکنش کردن) و معرفت عمومی (توانایی ارزش یابی افراد و رویدادها و اولویت دادن به چیزهای وزین تر و بزرگتر و داوری درباره زمانها و مکانهای مناسب).

حس همدردی، حس شرم و بیزاری، حس فروتنی و احترام به دیگران، و حس درست و نادرست: این چهار مرحله آغازین فضیلت، در قلب انسانی یافت می‌شود. اگر این مرحله‌ها کمال

می‌شود و نشان دهنده درجه قابلیت انسان است. هر فرهنگی دارای اصالتی و رسالتی خاص خود اوست.

با وجود تفاوت‌های بسیار فرهنگی، موارد زیر در شناخت مشترک فرهنگها، برجسته است:

۱. سخن گفتن
۲. ویژگیهای مادی
۳. هنر
۴. افسانه سازی و دانشهای وابسته
۵. مراسم مذهبی
۶. سازمان خانواده و سیستم اجتماعی
۷. فقر
۸. دولت
۹. جنگ و صلح [ودیدی، جامعه شناسی، ۱۱۸]

مواردی مانند قوم مداری فرهنگی، نسبی گرایی فرهنگی، دگرگونی فرهنگی، فرهنگ ایستا و فرهنگ پویا، انتشار فرهنگی و تأسیسات فرهنگی (آموزش و پرورش و تربیت. . .)، از جمله موارد قابل طرح در ارتباط با فرهنگ می‌باشند که جای بسط آنها در این مقال نیست.



مسجد النبی(ص) میدان نبوت، تهران

تمدن

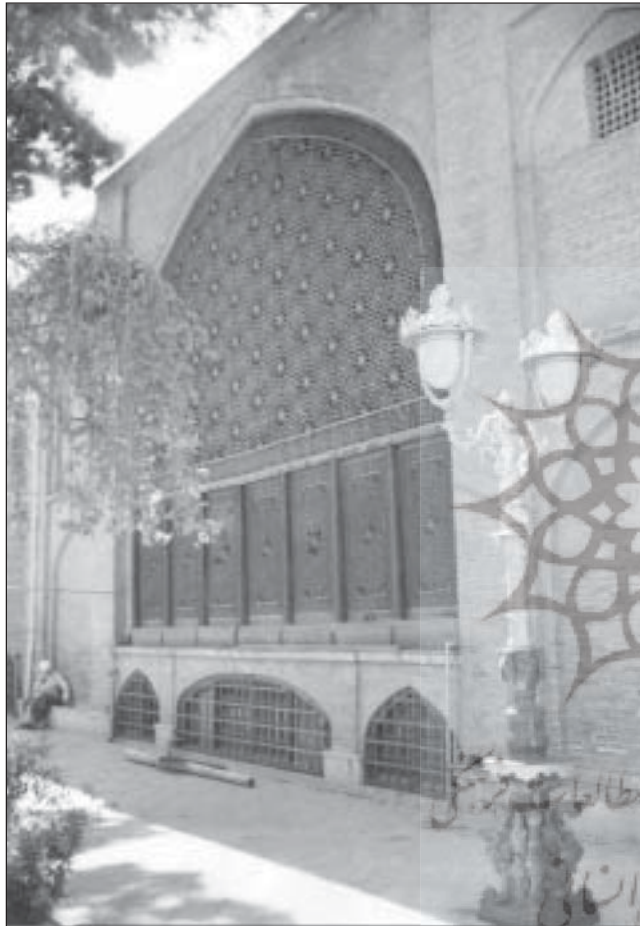
تمدن می‌تواند هم معنایی گسترده و هم معنایی محدود داشته باشد. در معنای محدود، یعنی افزایش دادن آنچه که انسان مصرف می‌کند و تجملات ظاهری که به ضرورت‌های روزانه زندگی اضافه می‌شوند.

تمدن به معنای گسترده، علاوه بر آسایش در زمینه ضرورت‌های روزانه، همچنین پالایش معرفت و پرورش فضیلت است به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه‌ای بالاتر ترفیع دهد.

تمدن چیزی است نسبی که حد و مرزی ندارد. پیشرفتی است تدریجی از سطح ابتدایی. هر چه روابط بشری بیشتر گسترش یابد و الگوهای آن تحول پیدا کند، به همان اندازه طبیعت انسان بیشتر متمدن می‌گردد و شعور بشری رشد می‌یابد. اصطلاح تمدن (Civilization) از کلمه لاتین «Civitas» مشتق می‌شود که به

- استفاده از گروه مشاوران در برنامه ریزی
- هماهنگی با سیاستهای کلان فرهنگی کشور
- تبیین سیاستهای راهبردی فرهنگی
- نظریه ها مبتنی بر کارشناسی و تخصص و پژوهش باشد.
- علاوه بر برنامه ریزی کوتاه مدت، برنامه ها کل نگر و دراز مدت باشد.
- در قالب یک نظام فرهنگی منسجم و هماهنگ ارائه شود (آینده نگری).

طبیعی است که برنامه ریزی فرهنگی به مؤلفه هایی چون: امکانات و تجهیزات، نیروی انسانی، بودجه کافی، تشکیلات منظم،



مسجدجامع عتیق(المهدی)، شهری

تاکتیکی و راهبردها، و اطلاعات و داده ها نیازمند است. در اجرا و انجام برنامه های فرهنگی، توجه به نکات زیر در کیفیت و اثر بخشی آن در جامعه و اقبال عمومی از برنامه ها مؤثر است:

- پرهیز از شتابزدگی
- پرهیز از افراط و تفریط
- پرهیز از کارهای تقلیدی، تکراری و بی محتوا
- خودداری از برنامه های خسته کننده، بی روح و ملال آور
- پرهیز از سیاست زدگی در کارهای فرهنگی
- پرهیز از داخل شدن به جنجال بازی و کشمکشها

بایند می توان یک کشور را حراست کرد. بدون خرد، معرفت خصوصی نمی تواند به شکل معرفت عمومی گسترش یابد). [ر.ک: فوکوتساوایوکشی، نظریه تمدن، ۱۱۹-۱۱۶].

هدف از برنامه ریزی فرهنگی

برنامه ریزی فرهنگی عبارت از طراحی و ارائه سیاستهای راهبردی، اصولی و کلان در مجموعه امور فرهنگی مبتنی بر راهکارهای اجرایی و عملی، به منظور پاسداری، اصلاح، پویایی و تکامل فرهنگ جامعه است که با توجه به دگرگونیها و تعاملاتی که در جریان فرهنگها ایجاد می شود، سلامت فضای فرهنگی جامعه تأمین گردد و ناهنجاریها و آسیبهای فرهنگی زمینه بروز کمتری بیابد.

شاخصهای اصلی در برنامه ریزی فرهنگی عبارتند از: هدف، مخاطب، روش و پیام.

۱. هدف:

هدف باید تعریف شده و روشن و گویا باشد. حصول شدنی و تحقق یافتنی باشد. مطابق با واقعیات (مبتنی بر واقع گرایی) باشد. پس هدف نباید مبهم و گنگ و نامفهوم باشد. نارسا بیان شود. غیر واقعی باشد. تخیلی و پندار گرایانه باشد. هدف باید مشخص نماید که برنامه ریزی فرهنگی برای چه صورت گرفته است: رقابت فرهنگی، ستیزه فرهنگی، همکاری فرهنگی، یا همسازی فرهنگی (تطابق و یکسان سازی)؟

۲. مخاطب:

در برنامه ریزی فرهنگی باید مشخص باشد که این امر برای چه کسانی طراحی شده است. مخاطب شناسی در برنامه ریزی فرهنگی از امور مهم است. توجه به عواملی مانند: سن، جنس، اقلیم فرهنگی، نیازها، حساسیتها، روحیات و... ضروری است.

۳. روش:

- در روش باید به دو اصل مهم توجه شود:
 - الف. برنامه ریزی فرهنگی چگونه طراحی شود؟
 - ب. برنامه ریزی فرهنگی چگونه اجرا شود؟
- در طراحی می بایست موارد زیر را در نظر گرفت:
 - اصل بودن تفکر علمی
 - نگاه سیستمی داشتن به برنامه ریزی فرهنگی (در کل ساختار جامعه دیدن)
 - نیازسنجی
 - شناخت و دسته بندی مسائل
 - تقسیم کار در حوزه های مورد مطالعه
 - نظام بخشی و نهادینه کردن امور فرهنگی



- برنامه ها صوری، دستوری، آمرانه و همراه با تحکم و تعصب نباشد.
 - برنامه ها از نگاه مخاطبان (مردم) تنظیم شود نه از نگاه سیاستگزاران.
 - با اقشار مختلف برای جمع آوری اطلاعات و دریافت نیازهای آنان ارتباط برقرار شود.
 - از عناصر فرهنگی و فرهیخته و کاردان استفاده شود و با صاحب نظران مشورت شود.
 - با نهادهای فرهنگی و تبلیغی و تربیتی شهر هماهنگی به عمل آید.

- برنامه ها زمان بندی شده باشد.
 - برنامه ها هر از گاه به منظور اصلاح یا تجدید در آن (حذف، اصلاح و تغییر، یا تداوم) مورد ارزیابی قرار گیرد.
 - جلسات و دوره های آموزشی ادواری جهت بازبینی برنامه ها و برنامه ریزی جدید تشکیل گردد.
 - برنامه ها بر اساس تکريم شخصیت انسانی باشد نه تحقیر آن و از هتاکي پرهیز گردد.
 - به ارزیابی و داوری از برنامه ها اعتنا شود.
 - زمینه سازی برای حضور و مشارکت عمومی فراهم گردد.
 - موانع و عوامل بازدارنده رغبتم عمومی مردمی بر طرف شود.

- شورای فرهنگی و برنامه ریزی، متشکل از صاحب نظران شهر، تشکیل گردد.

پیام

پیام در برنامه ریزی فرهنگی از چند جنبه قابل تأمل بوده و اهمیت می یابد: شکل ارائه پیام، محتوای پیام و ویژگیهای پیام رسان.

۱. ارائه پیام:

در نحوه ارائه پیام بایسته است که نکات زیر رعایت شود:
 - شیوه های سنتی پیام رسانی متحول و اصلاح گردد.
 - از ابزارهای جدید و تکنولوژی نوین اطلاع رسانی استفاده شود.

- پیام به صورتی جذاب و پر کشش ارائه شود و از روح، نشاط و شادابی برخوردار باشد.
 - در جایگاههای مناسب و دارای امکانات و تجهیزات لازم برگزار گردد.

- در زمان و اوقات مناسب ارائه شود.
 - به مقتضیات زمان و عنصر تغییر توجه شود.
 - همراه با نوآوری و نوگرایی، خلاقیت و ابتکار باشد.
 - با تحریف و بد آموزی همراه نباشد.
 - طیف وسیعی در ارائه برنامه مشارکت داشته باشند.
 - موضوع برنامه مشخص باشد.
 - تبلیغات لازم و دعوت های رسمی درباره برنامه صورت گرفته باشد.

- در قالب زیباترین عبارات، تصاویر، هنرها، و دیگر راههای

انتقال پیام ارائه شود.

- برای جوانان توأم با نشاط آفرینی و تحول پذیری باشد.
 - برنامه های فرهنگی به تناسب گروه های سنی یا قشر بندی اجتماعی تنظیم شود و اصول حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن در امر دعوت در نظر گرفته شود: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن» [نحل/ ۱۲۵].

- دعوت، پیام و برنامه های فرهنگی در متن خود با بشارت و اندرز توأم باشد: «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً و بشر المؤمنین بان لهم من الله فضلاً کبیراً» [احزاب/ ۴۵].
 «تبلیغ روشن و آشکار (بلاغ مبین) باشد: «و ما علی الرسول الا البلاغ المبین» [عنکبوت/ ۱۸].

- برنامه های فرهنگی، دعوت و تبلیغ، همراه با خشیت و خدا ترسی باشد: «الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احداً الا الله» [احزاب/ ۳۹].

- کار فرهنگی و دعوت باید توأم با تذکر و یادآوری باشد:
 «فذكر فان الذکر یتفیع المؤمنین» [ذاریات/ ۵۵].

- مطابق با فطرت انسانها بوده، غیر طبیعی نباشد: «فاما الزبد فیذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فی الارض» [رعد/ ۱۷].
 - از روی اخلاص صورت گیرد نه در طلب مزد و اجر: «ما استلکم علیه من اجر و ما انا من المتکلفین» [ص/ ۸۶].

- با ملایمت و گفتار متین و قول صواب همراه باشد: «الم ترکیف ضرب الله مثلاً کلمة طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین باذن ربها» [ابراهیم/ ۲۵- ۲۴] «فقولا له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی» [طه/ ۴۴]. «عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالو سلاماً» [فرقان/ ۶۳]، «فقولوا للناس حسناً» [بقره/ ۸۳].

- برنامه ها عاری از تکلف بوده و بارگران و دشوار بر مخاطبان تحمیل ننماید: «لا یکلف الله نفساً الا وسعها . . . ربنا و لا تحمل علینا اصراً . . . و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به» [بقره/ ۲۸۶]. «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» [بقره/ ۱۸۵].

- در مخاطبان قدرت «انتخاب احسن» ایجاد نماید: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» [زمر/ ۱۸- ۱۷].

«و شاورهم فی الامر [آل عمران ۱۵۹]»
 - خدا ترس بوده و خشیت الهی داشته باشد: «انما یخشی
 الله من عباده العلماء» [فاطر ۲۸]
 - فصاحت کلام و سخنوری: «... و اخی هارون هو
 افصح منی لسانا فارسله معی رده یصدقنی» [قصص ۳۴]
 - قدرت حرکت آفرینی داشته باشد.

۳. محتوای پیام:

موفقیت محتوای برنامه های فرهنگی به شرایط زیر بستگی
 دارد:
 - عقلی بودن و قدرت و نیرومندی محتوای برنامه ها
 - ابزار پیام رسانی و انتقال
 - کیفیت و شیوه پیام رسانی و اجرای برنامه ها
 - خصلت و منش مجریان و متولیان امور فرهنگی
 از دیدگاه قرآن، پیام رسانی و تبلیغ که یک برنامه فرهنگی
 است با شیوه های گوناگونی می تواند انجام شود: از طریق قلم
 (نگارش، کتاب)، بیان، تبلیغ (ابلاغ)، تذکر، تبیین، موعظه و اندرز،



مسجد مقدس جمران، قم

حکمت، استدلال و برهان، شواهد و بینات، محاجه و مناظره،
 جدال احسن، تبشیر و انذار، تمثیل و قصص، امر به معروف و نهی
 از منکر، دعوت عام و خاص، تحدی، اعجاز (در رسالت آسمانی)،
 از طریق فعل (رفتار عملی) و ...
 در هر حال، برنامه های فرهنگی باید با پیام نو، زبان نو، نگاه
 نو، ابزار نو، و روش نو ارائه گردد و با ابتکار و نوآوری و آفرینش
 همراه باشد. برنامه ها در جهت حرکت آفرینی به سوی تعالی و
 تکامل و تفکر برانگیزی، رشد تعقل، عبرت اندوزی، و فضا سازی
 فرهنگی و معنوی باشد. برنامه ها باید در عمق جان و روح
 مخاطبان موج آفرینی نموده، در آنها «رجعت به نفس» و زمینه
 «تغییر نفس» ایجاد نماید نه در مسیر امواج قرار گرفته یا با موجها همراه
 شود: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» [اعد ۱۱].

- فعالیت های فرهنگی و دعوت مخاطبان نباید بر پایه اجبار،
 اکراه و زور باشد، بلکه باید از روی رضا و رغبت و گرایش
 درونی باشد: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی ...» [بقره/
 ۲۵۶].

۲. پیام رسان:

گردانندگان امور فرهنگی و آنانکه رسالت پیام رسانی فرهنگی
 را بر عهده دارند، باید واجد خصوصیات باشند که تأثیر گذاری
 پیام را در مخاطب افزایش دهد. این خصوصیات همان صفاتی
 است که در اخلاق اسلامی از جنبه عملی برای اهل ایمان بر
 شمرده شده است. برخی از این صفات که لازمه کارهای فرهنگی
 و تبلیغی است عبارتند از:

- شرح صدر و ظرفیت وسیع: حضرت موسی (ع) هنگامی
 که به رسالت مبعوث شد و مأمور رساندن پیام الهی به فرعون
 گشت برای توفیق در این مأموریت از پروردگار خویش «شرح
 صدر» طلب نمود: «رب اشرح لی صدری» [طه/۵۲]. و از
 خصوصیات پیامبر اسلام (ص) در امر دعوت و هدایت مردم
 پر خورداری از نعمت شرح صدر بود که با همه سختیها و مشقاتی
 که در امر تبلیغ برای ایشان وجود داشت، هیچگاه شکیبایی خود
 را از دست نداد: «الم نشرح لک صدرک» [انشراح/۱].
 - مهربانی، خوشخویی و اخلاق نرم و پرهیز از تند خویی
 و خشونت: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت قظا غلیظ
 القلب لا نفضوا من حولک» [آل عمران/۱۵۹]
 - تطابق و هماهنگی قول با فعل: «یا ایها الذین آمنوا لم
 تقولون ما لا تفعلون» [صف/۲]، «کونوا دعاة الناس بغير السننکم»
 - صبر و استقامت: «فاستقم کما امرت [هود/۱۱۲]. فاصبر
 کما صبر اولوا العزم من الرسل» [احقاف/۳۵]
 - بینش قوی و احاطه علمی به موضوع: «ولا تقف ما لیس
 لک به علم ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مستولاً»
 [اسری/۳۶]

- اخلاص: «واقیموا و جوهمکم عند کل مسجد و ادعوه
 مخلصین له الدین» [اعراف/۲۹]، «من عمل صالحا من ذکر او انثی
 و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا
 یعملون» [نحل/۹۷]

- صداقت و راستگویی: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا
 قولا سدیداً» [احزاب/۷۰]، «فلیتقوا الله و لیقولوا قولا سدیداً» [نساء/
 ۹]

- پاک دامنی و طهارت نفس: «الیه یصعد الکلم الطیب و
 العمل الصالح یرفعه» [فاطر/۱۰]، «و البلد الطیب یرجح نباته باذن
 ربه و الذی خبث لا یرجح الا نکدا» [اعراف/۵۸]
 - تواضع و فروتنی: «و انذر عشیرتک الاقربین و اخفض
 جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» [شعراء/۲۱۵-۲۱۴]
 - اعتنا به مشورت و مشارکت مردم و پرهیز از خودرایی:



مسجد جامع خوانسار

آستانها و . . .)، دفاتر عقیدتی سیاسی، احزاب و مجامع، انجمنها و جوامع و بسیج و جهاد دانشگاهی در دانشگاهها، نهادهای نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها، بنیاد شهید (امور فرهنگی بنیاد)، امور فرهنگی بنیاد جانبازان، بنیادها و کانونهای قرآن و نهج البلاغه و معارف دینی، و . . .

پیشنهاد

به منظور مطلوب شدن هر چه بیشتر فعالیت‌های فرهنگی در عرصه‌های مختلف، پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی از کارشناسان فرهنگی نهادهای مرتبط با مقوله فرهنگ به منظور تحقق اهداف زیر، تشکیل گردد:

۱. انتقال تجربیات
۲. بیان برنامه‌های موفق و شناخت موفقیتها
۳. بیان نارساییها و مشکلات برنامه ریزی فرهنگی در عرصه عمل
۴. ارائه دیدگاهها و طرح پرسشها
۵. جمع بندی راهکارهای اجرایی و عملی بر اساس دیدگاههای جمعی
۶. هماهنگ نمودن و سامان دادن به فعالیت‌های فرهنگی توضیح آنکه کارشناسان و متولیان که به طور عملی در جریان برنامه‌ها، مسائل، مشکلات و نیازها قرار دارند، بهتر، عملی‌تر و واقعی‌تر به موضوعات شناخت داشته و می‌توانند طرح مسئله نمایند و بر این مبنا می‌توان به ارائه راهکارهای کلی برای موارد عام پرداخت.

منابع

۱. جعفری، محمد تقی، فرهنگ پیرو - فرهنگ پیشرو، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳
۲. زرشناس، شهریار، فرهنگ، سیاست، فلسفه، تهران، انتشارات برگ، ۱۳۷۱
۳. ودیعی، جمال، جامعه شناسی، تهران، انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۵۷
۴. یوکیچی، فوکوتساوا، نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، نشر آبی، ۱۳۶۳

زمینه‌های برنامه ریزی

متولیان و کارشناسان امور فرهنگی در سطح فرهنگ عمومی جامعه از زمینه‌های متعددی می‌توانند بهره‌گیرند و بر آن اساس برنامه ریزی نمایند و مخاطبان را در مسیر دعوت خویش قرار دهند. برخی از این زمینه‌ها عبارتند از: بقاع متبرکه و امامزاده‌ها، مساجد و حسینیه‌ها، مراسم نمازهای یومیه، نماز جمعه، مراسم ادعیه (توسل، کمیل، ندبه، زیارت عاشورا . . .)، مراسم ایام الله، مراسم مذهبی و سیاسی، اعیاد و سوگواریها، یادواره‌های شهیدان و زیارت گلزارهای شهدا، یاد روز شخصیتها و رجال و بزرگان دینی، علمی، فرهنگی، تاریخی و . . .، شبهای شعر، سخنرانیها و نشستهای فرهنگی، مدارس و دانشگاهها و مراکز آموزشی، اردوگاهها و کانونهای فرهنگی و تفریحی، کانونهای عرضه محصولات فرهنگی، اوقات فراغت جوانان (ایام تابستان و حین تحصیل)، مسابقات و سرگرمیها، سفرهای علمی و تفریحی، ورزش و اماکن ورزشی، سینماها، کتابخانه‌های عمومی، پارکها و گردشگاهها، آثار باستانی و تاریخی و جاذبه‌های گردشگری، موزه‌ها، پادگان‌ها و . . .

ایرادهای نظام فرهنگی

نظام فرهنگی موجود در کشور ما دارای ایرادهایی است که از کارآمدی آن کاسته و گاهی موجب بروز ناهنجاریها و ناهماهنگی در سطح فرهنگ عمومی شده است. بخشی از تأثیر موج تهاجم فرهنگی بیگانگان در جامعه به سبب همین نابسامانی درونی نظام فرهنگی است. برخی از این ایرادات عبارتند از:

- تعداد مراکز و مجاری فرهنگی و سیاست گذاری فرهنگی (تعدد متولیان و در عین حال معین نبودن حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیتها)

- سیاستهای موازی و تکراری، بعضاً خنثی کننده و حتی متضاد (ایجاد سردرگمی و پریشانی فرهنگی در جامعه)

- تحمیل دیدگاههای سیاسی و جناحی در برنامه ریزیها و راهبردهای فرهنگی به ویژه در بعد اجرایی.

تابع بودن فرهنگ با سیاستها و سلاقی و کانونهای قدرت. - مروری بر نهادها، ارگانها و سازمانهای مرتبط با فرهنگ

(اعم از رسمی و غیر رسمی، خرد و کلان) تا حدی مسئله را روشن می‌نماید برخی از آنها به شرح ذیلند:

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، وزارت آموزش و پرورش و امور تربیتی این وزارتخانه،

شورای عالی انقلاب فرهنگی، حوزه‌های علمیه، مجمع تشخیص مصلحت (در تصویب راهبردهای کلان فرهنگی)، دولت (ارائه

برنامه‌های توسعه - بعد فرهنگی)، مجلس شورای اسلامی (در تصویب طرح و لوایح و قوانین و مقررات فرهنگی)، سازمان

تبلیغات اسلامی، شورای عالی جوانان، دفتر امور زنان، صدا و سیما

جمهوری اسلامی ایران، مطبوعات، سازمان رسیدگی به امور مساجد، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ستاد اقامه نماز شورای عالی سیاستگذاری ائمه جمعه، امور فرهنگی (معاونت

فرهنگی) نهادهای مختلف (استانداریها، شهرداریها، بقاع، اوقاف،